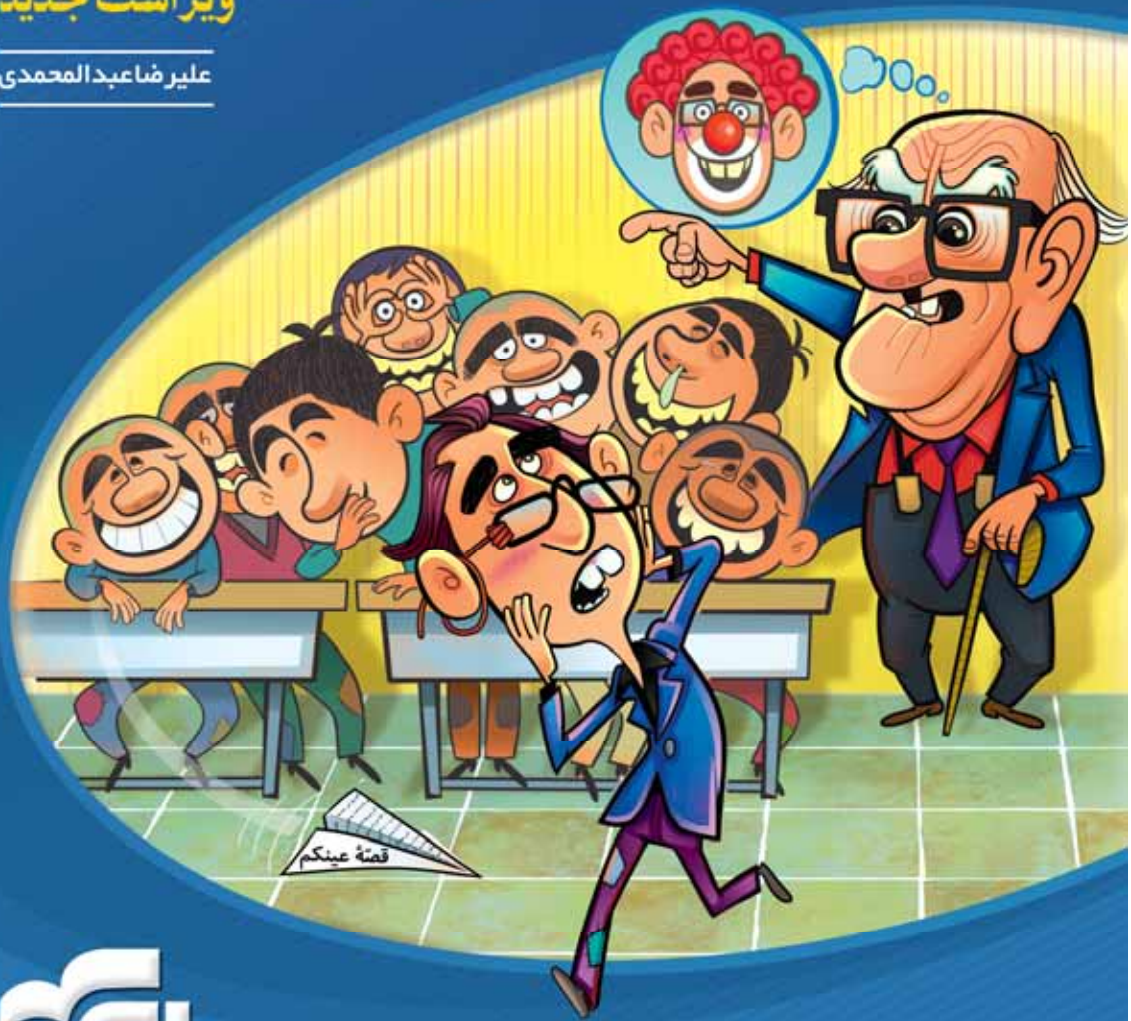


درس‌نامه + پرسش‌های چهارگزینه‌ای + آزمون + پاسخ‌های کاملاً تشریحی

فارسی ۲ (یازدهم)

ویراست جدید

علیرضا عبدالمحمدی



انتشارات
نگو

مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است

تقدیم به محمدرضا شجریان

«نپورنت سفت است

مثل تکیف ریاضی برای انسانی‌ها

و فقط مکالمه عربی برای تهری‌ها

یا تشابهات املایی برای ریاضی‌ها

یا و حال دلم را زنگ هنر کن»

کتاب فارسی یازدهم شامل بخش‌های زیر است:

۱- درسنامه:

- تمام لغات معنی شده در واژه‌نامه پایان کتاب درسی و لغات مهم معنی نشده در کتاب با معانی کتابی و فراکتابی آن‌ها
- کلمات و گروه‌های املایی مهم هر درس
- تاریخ ادبیات هر درس
- تدریس کامل نکات مهم قلمرو زبانی (دستور، زبان‌شناسی و ...) و قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی، قالب‌های شعری و ...)
- معانی تمام ابیات کتاب درسی
- آرایه‌های ادبی تمام ابیات کتاب درسی
- حل تمام سؤالات کارگاه متن‌پژوهی

۲- تست درس به درس و موضوعی:

در این بخش تست‌های بسیاری از هر درس با تقسیم‌بندی موضوعی «لغت - املا - تاریخ ادبیات - آرایه‌های ادبی - دستور و زبان‌شناسی - قرابت و معنی و مفهوم» آورده‌ام که بانک تست بسیار قوی برای استفاده دانش‌آموزان خواهد بود.

۳- آزمون تشریحی درس به درس:

در پایان هر درس یک آزمون تشریحی با ساختار قلمرو زبانی، قلمرو ادبی و قلمرو فکری آورده‌ام که نگاه به کار تشریحی انجام شده باشد.

۴- پاسخنامه تشریحی:

در این قسمت پاسخ‌های کاملاً تشریحی تست‌ها و آزمون‌های هر درس را به تفکیک آورده‌ام.

و اما سخنی درباره فارسی پایه یازدهم:

کتاب درسی پایه یازدهم که شامل ۱۸ درس است (البته دروس ۴ و ۱۳ مطالعه آزادند و در حقیقت انگار نیستند!) در مواردی با متن‌ها و ابیات نظام قدیم اشتراک دارد و در موارد بسیاری ندارد و در بعضی مطالب دستوری، مطالب کاملاً از نظر علمی تفاوت کرده است.

در این کتاب سعی کرده‌ام نظم بسیاری به مطالب بدهم و ساختار فکری دقیقی برای دانش‌آموزان ایجاد کنم. ساختار کتاب را به‌صورت درس به درس اما در هر درس با تقسیم‌بندی موضوعی قرار داده‌ام که به هر دو مسیر «درسی و موضوعی» پرداخته شده باشد. در مسیر تولید این کتاب، لازم است تشکر بسیار کنم از:

• مدیران و کارکنان نشر الگو که همکاری صمیمانه‌ای داشتند. خانم‌ها:

واحد ویراستاری: مریم صالحی، نگین دخیلی، مهرناز قجری، محدثه مرادی و واحد حروف‌چینی: افتخار معصومی

• همکاران، دوستان و فارغ‌التحصیلان:

نزهت رضایی، عبدالحمید رزاقی، احسان برادران، امیرحسین عبدالله‌زاده، ندا جاتن، احمدرضا گل‌یاس، شقایق رحیم‌پور، سارا فرمهین‌فراهانی، عرفان شریفیان، رویا علی‌آبادی، آیدا علیزاده، رضا رمضان‌پور، نگار عزیزی، آیدا معماریان، سهند قربانی و ...

در پایان امیدوارم دوستان و همکاران و مشاوران و صاحب‌نظران مانند همیشه نظرات خود را با من در میان گذارند تا در کیفیت‌بخشی به کتاب استفاده کنم.

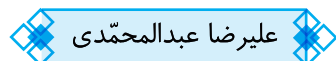
دانش‌آموزان می‌توانند از مطالب و نکات علمی کانال‌ها استفاده کنند و سؤالات خود را از طریق لینک موجود در کانال بفرستند تا جریان علمی پویایی برای نظام جدید داشته باشیم. آدرس کانال‌ها:

@olgoo_adabiaat

@azmoon_adabiaat

... و مقدر زیباست

شبه‌هایی که با یار تو آغاز می‌شود ...



فصل یکم: ادبیات تعلیمی

ستایش و درس اول

«لطف خدا - نیکی - گنج حکمت: همّت»

- درسنامه ۱
- کارگاه متن‌پژوهی ۹
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۱
- آزمون تشریحی ۲۶

درس دوم

«قاضی بُست - شعرخوانی: زاغ و کبک»

- درسنامه ۲۸
- کارگاه متن‌پژوهی ۳۵
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۳۷
- آزمون تشریحی ۴۸

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ششم

«پروردهٔ عشق - گنج حکمت: مردان واقعی»

- درسنامه ۸۰
- کارگاه متن‌پژوهی ۸۸
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۹۰
- آزمون تشریحی ۹۹

درس هفتم

«باران محبّت - شعرخوانی: آفتاب حُسن»

- درسنامه ۱۰۰
- کارگاه متن‌پژوهی ۱۰۶
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۰۸
- آزمون تشریحی ۱۱۶

فصل دوم: ادبیات پایداری

درس سوم

«در امواج سند - گنج حکمت: چو سرو باش»

- درسنامه ۴۹
- کارگاه متن‌پژوهی ۶۰
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۶۲
- آزمون تشریحی ۶۷

درس چهارم

«درس آزاد (ادبیات بومی ۱)»

درس پنجم

«آغازگری تنها - روان‌خوانی: تا غزل بعد ...»

- درسنامه ۶۸
- کارگاه متن‌پژوهی ۷۲
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۷۴
- آزمون تشریحی ۷۹

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

درس هشتم

«در کوی عاشقان - گنج حکمت: چنان باش ...»

- درسنامه ۱۱۷
- کارگاه متن‌پژوهی ۱۲۴
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۲۶
- آزمون تشریحی ۱۳۹

درس نهم

«ذوق لطیف - روان‌خوانی: میثاق دوستی»

- درسنامه ۱۴۰
- کارگاه متن‌پژوهی ۱۴۴
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۴۶
- آزمون تشریحی ۱۵۸

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم

«بانگ جرس - گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن»

درسنامه	۱۵۹
کارگاه متن‌پژوهی	۱۶۶
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۱۶۷
آزمون تشریحی	۱۷۰

درس یازدهم

«یاران عاشق - شعرخوانی: صبح بی تو»

درسنامه	۱۷۲
کارگاه متن‌پژوهی	۱۷۸
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۱۸۰
آزمون تشریحی	۱۸۶

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس دوازدهم

«کاوه دادخواه - گنج حکمت: کاردانی»

درسنامه	۱۸۷
کارگاه متن‌پژوهی	۲۰۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۰۱
آزمون تشریحی	۲۱۲

درس سیزدهم

«درس آزاد (ادبیات بومی ۲)»

درس چهاردهم

«حملة حیدری - شعرخوانی: وطن»

درسنامه	۲۱۴
کارگاه متن‌پژوهی	۲۲۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۲۵
آزمون تشریحی	۲۳۱

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس پانزدهم

«کبوتر طوق‌دار - گنج حکمت: مهمان ناخوانده»

درسنامه	۲۳۳
کارگاه متن‌پژوهی	۲۳۷
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۳۸
آزمون تشریحی	۲۴۵

درس شانزدهم

«قصه عینکم - روان‌خوانی: دیدار»

درسنامه	۲۴۷
کارگاه متن‌پژوهی	۲۵۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۵۱
آزمون تشریحی	۲۵۷

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس هفدهم

«خاموشی دریا - گنج حکمت: تجسم عشق»

درسنامه	۲۵۸
کارگاه متن‌پژوهی	۲۶۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۶۱
آزمون تشریحی	۲۶۵

درس هجدهم

«خوان عدل - روان‌خوانی: آذرباد - نیایش: الهی»

درسنامه	۲۶۶
کارگاه متن‌پژوهی	۲۷۰
پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۲۷۱
آزمون تشریحی	۲۷۷

پاسخنامه تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

پاسخ تشریحی تست‌ها	۲۸۰
--------------------	-----

پاسخنامه تشریحی آزمون‌ها

پاسخ تشریحی آزمون‌ها	۳۲۰
----------------------	-----



درس یازدهم

یاران عاشق - شعرخوانی: صبح بی تو

لغت

لغات ستاره‌دار

روحانی	منسوب به روح، معنوی، ملکوتی	آدینه	روز جمعه، آخرین روز هفته
سیمینه	منسوب به سیم، سیمین، اشیای ساخته شده از سیم یا نقره	انکار	باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن
مدار	مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر	بیعت	پیمان، عهد، پیمان بستن برای فرمان‌برداری و اطاعت از کسی
مرهم	هر دارویی که روی زخم گذارند، التیام بخش	چنبر	حلقه و هر چیز حلقه مانند؛ چنبر نفس: چنبر زدنِ مارِ نفس
منکر	انکارکننده، ناباور	رستن	رها شدن، نجات یافتن

لغات بی‌ستاره

هان	صوت آگاهی، به هوش باش	دف	یکی از سازهای ضربی
آلاله	شقایق، لاله سرخ	هلا	صوت تنبیه و ندا که برای آگاهاندن به کار می‌رود.
کینه	دشمنی، عداوت	فرط	از حد گذشتن، چیره شدن، بسیاری، فراوانی
گنجینه	خزانه، جای نگهداری زر و سیم		

املا

مدار خطر	نغمه عشق	هلا و هان	مرهم عاشق	فرط عشق
بیعت	جغد	خویشاوندی		

تاریخ ادبیات

هم‌صدا با حلق اسماعیل اثر سید حسن حسینی

نکته مهم قلمرو زبانی

صفت بیانی

تعریف: برای توضیح و وصف یک واژه (موصوف) به کار می‌رود. انواع صفت بیانی:

❖ **مطلق** ← خوب - زشت - پاک - روشن

بن مضارع + نده ← گوینده - رونده - شنونده - بیننده

بن مضارع + ا ← گویا - روا - شنوا - زیبا

بن مضارع + ان ← گریان - خندان - روان - خرامان

❖ **فاعلی** ← بن ماضی / بن مضارع + گار ← رستگار - آفریدگار - آموزگار - پروردگار

بن ماضی + ار ← خریدار - گرفتار - برخوردار - خواستار

اسم / بن / صفت + گر ← زرگر - توانگر - روشنگر - آهنگر - ستمگر

اسم / صفت + بن مضارع ← خداشناس - راستگو - حق‌گو

❖ **مفعولی** ← بن ماضی + ه ← گفته - شکفته - رفته - دیده

❖ **لیاقت** ← مصدر + ی ← دیدنی - شنیدنی - خوردنی - نوشیدنی

اسم + ی ← ادبی - آسمانی - سیاسی (سیاست + ی) - لغوی (لغت + ی) - نارنجی

اسم + ین ← ابریشمین - زرّین - پشمین - سیمین - آهنین

اسم + ینه ← سیمینه - پشمینه - چرمینه

❖ **نسبی** ← اسم + انی ← جسمانی - روحانی - ظلمانی - عقلانی

اسم + انه ← مردانه - کودکانه - بچگانه - سالانه

اسم + چی ← درشکه‌چی - تلفن‌چی - بیسیم‌چی

مثال:

فعل	بن مضارع	بن ماضی	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
خریده بودم	خر	خرید	خرنده	خریدنی	خریده
داستی می‌گفتی	گو	گفت	گوینده گویا	گفتنی	گفته
خواندم	خوان	خواند	خواننده	خواندنی	خوانده
برویم	رو	رفت	رونده، روا، روان	رفتنی	رفته
آشامیدم	آشام	آشامید	آشامنده	آشامیدنی	آشامیده
می‌رستیم	ره	رست	رهنده رها	رستنی	رسته
بفروشید	فروش	فروخت	فروشنده	فروختنی	فروخته
خواهید دید	بین	دید	بیننده بینا	دیدنی	دیده
دارند می‌خرامند	خرام	خرامید	خرامنده خرامان	خرامیدنی	خرامیده
بمیرند	میر	مُرد	میرنده میرا	مردنی	مرده

معنی ابیات ← یاران عشق

◇ بیت ۱: بیا عاشقی را رعایت کنیم زیاران عاشق حکایت کنیم

◆ معنی: بیا راه و رسم عاشقی را به جا بیاوریم و از آزادگان و شهدا صحبت کنیم.

واج آرای ← تکرار مصوت «ا»

آرایه

اشتقاق ← عاشقی و عاشق (هر دو از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست)

حکایت ← مفعول

یاران ← متمم
عاشق ← صفت

رعایت کنیم ← فعل مرکب

بیا ← فعل امر
عاشقی ← مفعول

دستور

◇ بیت ۲: از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند سفر بر مدار خطر کرده‌اند

◆ معنی: از آن‌هایی صحبت کنیم که شهید شده‌اند و به دنبال خطر و جان‌فشانی می‌گشتند.

تکرار ← سفر

آرایه

کنایه ← خونین سفر کردن (کنایه از شهید شدن)

خطر ← مضاف‌الیه

مدار ← متمم

سفر ← مفعول
کرده‌اند ← فعل

آن‌ها ← متمم
خونین ← قید

دستور

◇ بیت ۳: از آن‌ها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحرزادشان

◆ معنی: از آن‌هایی صحبت کنیم که فریاد نورانی آن‌ها از گلوی روشنی‌بخشان بلند شد.

تشبیه ← خورشید فریاد (فریاد به خورشید تشبیه شده است؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

آرایه

کنایه ← فریاد از گلو دمیدن (کنایه از فریاد و اعتراض و داد زدن)

سحرزاد ← صفت
شان ← مضاف‌الیه

دمید ← فعل
گلوی ← متمم

شان ← مضاف‌الیه

خورشید ← نهاد
فریاد ← مضاف‌الیه

دستور

◇ بیت ۴: چه جانانه چرخ جنون می‌زنند دف عشق با دست خون می‌زنند

◆ معنی: چه مردانه و شجاعانه به دنبال شوریدگی بودند و با تمام وجود برای جان‌فشانی و شهادت تلاش می‌کردند.

تشبیه ← دف عشق (عشق را به دف تشبیه کرده است؛ این ترکیب، اضافه تشبیهی است)
کنایه ← چرخ جنون زدن (کنایه از شوریدگی و شیدایی و دیوانگی)

آرایه

استعاره و تشخیص ← دست خون (برای خون دست قائل شده‌ایم که خصوصیت انسانی است؛ این ترکیب اضافه استعاری است)

خون ← مضاف‌الیه
می‌زنند ← فعل

دف ← مفعول
عشق ← مضاف‌الیه
دست ← متمم

جنون ← مضاف‌الیه

چه جانانه ← گروه قیدی
چرخ ← مفعول

دستور

◇ بیت ۵: به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند چنین، نغمه عشق سر می‌کنند؛

◆ معنی: در عین جانبازی می‌رقصند و صدا و سرور عشق می‌خوانند.

پارادوکس (تناقض) ← بی‌پا و سر رقصیدن

آرایه

مراعات نظیر (تناسب) ← پا و سر / رقص و نغمه

جناس همسان (تام) ← سر (کله) و سر (سر کردن یعنی شروع کردن)

عشق ← مضاف‌الیه
سر می‌کنند ← فعل مرکب

چنین ← قید
نغمه ← مفعول

می‌کنند ← فعل

رقصی ← متمم
بی‌پا و سر ← قید

دستور

◇ بیت ۶: هلا منکر جان و جانان ما بزن زخمِ انکار بر جان ما

◆ معنی: ای انکارکننده‌های ما و معشوق ما، با باور نکردن ما زخم به جان ما بزنید.

اشفاق ← منکر و انکار (هر دو از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)

تشبیه ← زخم انکار (انکار (مشبه) را به زخمی (مشبه‌به) مانند کرده‌ایم که بر جان زده می‌شود)
کنایه ← زخم انکار بر جان زدن (کنایه از انکار کردن و با این کار آزرده جان)

آرایه

جان ← متمم
ما ← مضاف‌الیه

بزن ← فعل
زخم ← مفعول
انکار ← مضاف‌الیه

جانان ← معطوف به مضاف‌الیه
ما ← مضاف‌الیه

هلا ← حرف ندا
منکر ← منادا
جان ← مضاف‌الیه

دستور

◇ بیت ۷: بزن زخم، این مرهم عاشق است که بی زخمِ مردن، غمِ عاشق است

◆ معنی: به ما زخم بزنید که آن موجب آرامش و راحتی ما، عاشقان است و اگر آزادگان بدون زخم و صدمه بمیرند، غم بزرگی برایشان محسوب می‌شود. (اگر شهید نشوند غم بزرگی است).

تکرار ← زخم

پارادوکس (تناقض) ← زخم، مرهم است / بی‌زخمی، غم است.
تضاد ← زخم و مرهم

آرایه

بی‌زخمِ مردن ← نهاد
غمِ عاشق ← مسند
است ← فعل

عاشق ← مضاف‌الیه

این ← نهاد
مرهم ← مسند

دستور

◇ بیت ۸: مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

◆ معنی: از اینکه از شدت عذاب عشق در رنج هستی حرفی نزن و اعتراض نکن، چون اولین شرط عشق در این راه خاموشی و سکوت است. (حتی اگر در عذاب باشی).

کنایه ← سوختن جان (کنایه از دچار سختی و عذاب و نابودی شدن)

جناس غیرهمسان (ناقص) ← فرط و شرط

آرایه

خموشی ← مسند
اولین ← صفت
است ← فعل
هان ← صوت، شبه جمله
اولین شرط عشق ← گروه نهادی

مگو ← فعل
سوخت جان من از فرط عشق سوخت ← فعل
فرط عشق ← گروه متممی
مفعول فعل مگو

دستور

◇ بیت ۹: بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

◆ معنی: به شهدایی که در گلزار شهیدان ما هستند، نگاه کن که سکوت کرده‌اند اما صدایشان تا عرش الهی می‌رسد.

مراعات نظیر (تناسب) ← لاله و باغ

استعاره ← لاله (استعاره از شهید)

آرایه

پارادوکس (تناقض) ← خموشند و فریادشان تا خداست

خموش ← مسند
تا خدا ← گروه مسندی
تا ← حرف اضافه
خدا ← متمم
ست ← فعل

ما ← مضاف‌الیه
ست ← فعل غیراسنادی به معنی وجود دارد

بین ← فعل
لاله‌هایی ← مفعول
باغ ← متمم

دستور

◇ بیت ۱۰: بیابا گل لاله بیعت کنیم که آلاها را حمایت کنیم

◆ معنی: بیایید با عاشقان و شهیدان پیمان ببندیم و از آنها حمایت کنیم.

مراعات نظیر (تناسب) ← گل و لاله و آلاه

استعاره ← گل لاله (استعاره از شهید) / آلاها (استعاره از شهیدان) / بیعت با گل لاله (تشخیص است و هر تشخیص هم استعاره است)

آرایه

که ← حرف پیوند وابسته ساز حمایت ← مفعول
آلاها ← متمم (از آلاها) کنیم ← فعل
را ← حرف اضافه به معنی از

بیا ← فعل
گل لاله ← متمم
بیعت ← مفعول
کنیم ← فعل

دستور

معنی ابیات ← شعر خوانی: صبح بی تو

◇ بیت ۱: صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

◆ معنی: صبحی که تو نباشی مثل بعدازظهر یک جمعه، غمگین و کسل کننده است، بدون تو مهربانی هم، معنای خود را از دست می دهد و مانند انتقام و کینه است.

تضاد ← مهربانی و کینه
مراعات نظیر ← صبح و بعدازظهر

تشبیه ← صبح بی تو به بعدازظهر یک آدینه تشبیه شده است.
پارادوکس ← مهربانی، حالتی از کینه دارد.
حسن آمیزی ← رنگ بعدازظهر

آرایه

تو ← متمم
حتی ← قید
مهربانی ← نهاد
حالتی ← مفعول
کینه ← متمم

صبح ← نهاد
تو ← متمم
رنگ بعدازظهر یک آدینه
← گروه مفعولی
رنگ ← مفعول
بعدازظهر ← مضاف الیه
یک ← صفت
آدینه ← مضاف الیه
دارد ← فعل

دستور

◇ بیت ۲: بی تو گویند تعطیل است کار عشق بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

◆ معنی: می گویند که وقتی تو نیستی، عاشقی تعطیل است و بساط عاشقی جمع شده؛ اما عشق که در زمان نمی گنجد و مربوط به روزهای خاصی نیست و همیشگی است.

استفهام انکاری ← مصراع دوم (پرسشی است که نیاز به جواب ندارد و جواب آن از قبل مشخص و منفی است).

تشخیص و استعاره ← خبر داشتن (یا نداشتن) عشق از روزها
مراعات نظیر ← شنبه و آدینه / تعطیل و آدینه

آرایه

عشق ← نهاد
اما ← حذف پیوند همپایه ساز آدینه ← معطوف
کی ← قید
خبر ← مفعول
شنبه ← متمم
دارد ← فعل

گویند ← فعل
تعطیل است کار عشق بازی
← مفعول فعل گویند
تعطیل ← مسند
است ← فعل
کار عشق بازی ← نهاد

دستور

- ◇ بیت ۳: جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد
- ◆ معنی: آدم‌های شوم و بد در این جهان ویرانه وجود تو را انکار می‌کنند، ولی تو همان گنج پنهان هستی که در این ویرانه‌ها قرار داری.

تشخیص و استعاره ← جغد انکار می‌کند	آرایه
مراعات نظیر ← جغد، ویرانه و گنجینه	
جغد ← نهاد	دستور
ویرانه ← متمم	
می‌خواند ← فعل	
انکار ← متمم	
تو ← مضاف‌الیه	
اما ← حرف ربط	
حس آمیزی ← بویی از آن گنجینه	
تکرار ← ویرانه	
خاک این ویرانه‌ها ← گروه نهادی بویی ← مفعول	
خاک ← هسته گروه نهادی آن ← صفت	
این ← صفت گنجینه ← متمم	
ویرانه‌ها ← مضاف‌الیه دارد ← فعل	

- ◇ بیت ۴: خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد
- ◆ معنی: می‌خواستم از دوری و فراق تو گله کنم، ولی یادم آمد که عشق و عاشقی همیشه همراه با سختی و مکافات کشیدن است.

تشخیص و استعاره ← عشق با آزار خویشاوندی دارد.	آرایه
خواستم بگویم ← فعل	دستور
رنجش ← متمم	
دوری ← مضاف‌الیه	
یاد ← متمم (به یاد من آمد)	
م ← مضاف‌الیه	
آمد ← فعل	
عشق ← نهاد	
آزار ← متمم	
خویشاوندی ← مفعول	
دیرینه ← صفت بیانی نسبی	
دارد ← فعل	
مراعات نظیر ← رنجش و آزار	

- ◇ بیت ۵: در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
- ◆ معنی: دل زخمی عاشق با بی‌قراری در هوای عاشقان پر می‌کشد و دلش هوای معشوق دارد.

کنایه ← پر کشیدن (کنایه از تمایل شدید به سمت چیزی)	آرایه
هوای ← متمم	دستور
عاشقان ← مضاف‌الیه	
پر می‌کشد ← فعل مرکب	
با ← حرف اضافه	
بی‌قراری ← متمم	
آن کبوتر چاهی زخمی ← نهاد	
او ← نهاد	
گروه نهادی	
در ← حرف اضافه	
آن ← صفت	
کبوتر چاهی ← نهاد	
زخمی ← صفت	
سینه ← متمم	
دارد ← فعل	
استعاره ← کبوتر چاهی زخمی (دل مجروح)	

- ◇ بیت ۶: ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد
- ◆ معنی: ناگاه سیاهی و بدی و ظلم توسط کسی که آرمان شهر در اختیار اوست، از بین می‌رود.

استعاره ← تیرگی (استعاره از ظلم، ستم و بدی) / شهر	آرایه
پرآینه (آرمان شهر)	
تضاد ← قفل و کلید	
ناگهان ← قید	دستور
قفل ← مفعول	
بزرگ ← صفت	
تیرگی ← مضاف‌الیه	
را ← نشانه مفعول	
می‌گشاید ← فعل	
آنکه ← نهاد	
شهر ← مضاف‌الیه	
دست ← متمم	
ش ← مضاف‌الیه	
کلید ← مفعول	
کلید شهر پرآینه ← گروه مفعولی	
پرآینه ← صفت	
در دست داشتن (کنایه از در اختیار داشتن)	
کنایه ← مصراع اول (کنایه از بین رفتن ظلم و بدی) / کلید	

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

■ منکر آینه باشد چشم کور دشمن آینه باشد روی زرد عمادی شهریار
انکارکننده

■ ای داور زمانه، ملوک زمانه را جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست مسعود سعد سلمان
مسیر و جای گردیدن و دور زدن

۲. همان‌طور که می‌دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود. واژه‌ای که وصف می‌شود، موصوف نام دارد.

مثال: کتاب - خواندنی

موصوف صفت

■ به پُرکاربردترین صفت‌های بیانی توجه کنید:

● مطلق: پاک، خوشحال، خطرناک

بن مضارع + نده: سازنده، درخشنده

بن مضارع + ا: گویا، کوشا

بن مضارع + ان: خندان، تابان

● فاعلی: بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار

بن ماضی + ار: خریدار، خواستار

اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر

اسم / صفت + بن مضارع: خدانشناس، راستگو

● مفعولی: بن ماضی + ه / ه (= -): شکسته

● لیاقت: مصدر + ی: آشامیدنی، ستودنی

اسم + ی: آسمانی، نارنجی

اسم + ین: امروزمین، آهنین

● نسبی: اسم + ینه: سیمینه، چرمینه

اسم + انی: روحانی، عقلانی

اسم + انه: کودکانه، سالانه

■ اکنون مانند نمونه جدول را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
نوشت	نویس	نویسنده	نوشتنی	نوشته
خواندم	خوان	خواننده	خواندنی	خوانده

قلمرو ادبی

۱. از متن درس، برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای مناسب بیابید و بنویسید.

تشبیه: بزَن زخمِ انکار، بر جان ما (زخمِ انکار اضافه تشبیهی است و در حقیقت انکار به یک زخم تشبیه شده است.)

متناقض‌نما: بزَن زخم، کاین، مرهم عاشق است (مرهم بودن زخم متناقض‌نما است.)

۲. شعر «یاران عشق» را از نظر قالب و مضمون، با شعر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

قالب یاران عشق و زاغ و کبک: هر دو مثنوی

مضمون یاران عشق: عاشقی و جانبازی

مضمون زاغ و کبک: نفی تقلید کورکورانه

قلمرو فکری

۱. در بیت سوم، مقصود از یاران عاشق، چه کسانی است و به کدام ویژگی آن‌ها اشاره شده است؟
شهیدان - با نثار خونشان فریاد آزادی و پیروزی سر دادند.

۲. در بیت آخر، بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟
بیعت با شهیدان و در مسیر آن‌ها بودن

۳. نخست، مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هر یک، بیتی متناسب از متن درس بیاید.

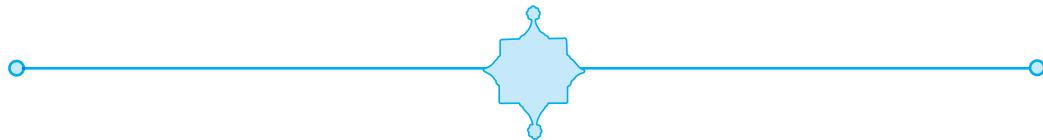
الف) ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد سعدی
مفهوم ← عاشق مدّعی نیست و حتی موقع جان دادن هم خاموش و ساکت است.

معادل است با بیت ← ۸

ب) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید که در جوشنِ عشقید، که از کرب و بلا یید حمید سبزواری
مفهوم ← تحمل سختی‌ها و مقاومت

معادل است با بیت ← ۷

۴.



از چنبرِ نَفَس، رسته بودند آن‌ها بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها
پرواز شدند و پرگشودند به عرش هر چند که دست‌بسته بودند آن‌ها
مصطفی محدّثی خراسانی

◆ معنی بیت اوّل: (غوّاصان دست‌بسته) از طوق هوا، هوس و مادیّات دل کنده بودند و تمام زشتی‌ها و پلیدی‌ها را زیر پا گذاشته بودند.

تشبیه ← چنبر نفس (نفس را به حلقه و طوقه‌ای تشبیه کرده است که گرفتار می‌کند؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

استعاره ← بت (استعاره از تعلّقات و مادیّات و ظالمان)

شکسته بودند ← فعل

بت‌ها ← مفعول

رسته بودند ← فعل

چنبر ← متمّم

آن‌ها ← نهاد

همه ← بدل

آن‌ها ← نهاد

نفس ← مضاف‌الیه

◆ معنی بیت دوم: با آنکه (غوّاصان) دستانشان بسته بود، پر گشودند و به عرش الهی عروج کردند.

واج‌آرایی ← تکرار واج «ش» در مصراع اوّل

تناقض (پارادوکس) ← پرواز کردن در عین دست‌بسته بودن
مراعات نظیر (تناسب) ← پرواز و پر

هر چند که ← حرف ربط وابسته‌ساز

پرگشودند ← فعل مرکب

پرواز ← مسند

آن‌ها ← نهاد

دست‌بسته ← مسند

عرش ← متمّم

شدند ← فعل

و «واو» ربط

یادداشت

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم

لغت

- ۶۲۶- معنی کدام دو واژه کاملاً صحیح است؟
 (الف) (مدار: جای ایستادن) (دف: نوعی ساز)
 (ج) (بیعت: پیمان) (آلاله: شقایق)
 (۱) الف - ج (۲) ب - د
- ۶۲۷- معنی واژه‌های «سیمینه - منکر - آدینه» به ترتیب در کدام گزینه، صحیح است؟
 (۱) نقره‌ای - انکارکننده - روز اول
 (۲) ساخته شده از نقره - انکار شده - جمعه
 (۳) منسوب به سیم - انکارشده - روز آخر
 (۴) سیمین - ناباور - جمعه

املا

- ۶۲۸- در چند بیت از ابیات زیر غلط املائی می‌بینید؟
 (الف) خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد
 (ب) از آن‌ها که خورشید فریادشان
 (پ) به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند
 (ت) جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما
 (۱) صفر (۲) سه
- ۶۲۹- در کدام بیت غلط املائی می‌یابید؟
 (۱) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند
 (۲) هلا منکر جان و جانان ما
 (۳) بزنی زخم، این مرحم عاشق است
 (۴) مگو سوخت جان من از فرط عشق
- عشق با آزار خیشاوندی دیرینه دارد
 دمید از گلوی سحرزادشان
 چنین نغمه‌ی عشق سرمی‌کنند
 خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد
 (۱) یک (۲) دو (۳) دو (۴) یک
- سفر بر مدار خطر کرده‌اند
 بزنی زخم انکار بر جان ما
 که بی‌زخم مردن، غم عاشق است
 خموشی است هان، اولین شرط عشق

آرایه‌های ادبی

- ۶۳۰- در کدام بیت تشبیه وجود دارد؟
 (۱) در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری
 (۲) صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد
 (۳) به پاسداری آیین آسمانی ما
 (۴) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
- ۶۳۱- در کدام بیت آرایه‌ی پارادوکس (تناقض) می‌یابید؟
 (۱) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (۲) از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند
 (۳) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
 (۴) بزنی زخم، این مرهم عاشق است
- ۶۳۲- آرایه‌های «تشبیه - پارادوکس - جناس - تناسب» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟
 (الف) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (ب) هلا منکر جان و جانان ما
 (ج) به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند
 (د) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
 (۱) الف - ج - د - ب (۲) ب - د - الف - ج
- آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
 بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد
 گزیده‌ای که خدا برگزیده می‌آید
 خموشند و فریادشان تا خداست
- خموشی است هان، اولین شرط عشق
 سفر بر مدار خطر کرده‌اند
 دف عشق با دست خون می‌زنند
 که بی زخم مردن غم عاشق است
- خموشی است هان، اولین شرط عشق
 بزنی زخم انکار بر جان ما
 چنین نغمه‌ی عشق سرمی‌کنند
 خموشند و فریادشان تا خداست
 (۱) ج - د - الف - ب (۲) ج - ب - الف - د

۶۳۳- در کدام گزینه «پارادوکس» به کار نرفته است؟

- (۱) به عیش خاصیت شیشه‌های می، داریم
- (۲) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
- (۳) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- (۴) خوبان پارسی‌گوی بخشنندگان عمرند

۶۳۴- در کدام گزینه «جناس» وجود ندارد؟

- (۱) گرچه خرد در خطاست در خط می، دار سر
- (۲) هلا منکر جان و جانان ما
- (۳) نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا
- (۴) یاد یاران، یار را میمون بود

۶۳۵- در کدام گزینه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- (۱) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- (۲) مگو سوخت جان من از فرط عشق
- (۳) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
- (۴) هلا منکر جان و جانان ما

۶۳۶- در ابیات همه گزینه‌ها به‌جز گزینه همه ارکان تشبیه آمده است.

- (۱) آنکه لرزد هم‌چو مرغ نیم بسمل، صبح و شام
- (۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آورد
- (۳) خوش‌بخت آنکه مادر دانا به روز و شب
- (۴) وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟

۶۳۷- در کدام بیت از «تشخیص» استفاده شده است؟

- (۱) بر آب خورد آخر مقدم تشنگانند
- (۲) در جام من می بیشتر کن ساقی امشب
- (۳) روزی که در جام شفق مل کرد خورشید
- (۴) من زخم خوردم صبر کردم دیر کردم

۶۳۸- در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه آرایه «تشخیص» موجود است.

- (۱) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
- (۲) حسن عروس طبع مرا جلوه آرزوست
- (۳) دل بیمار شد از دست، رفیقان مددی
- (۴) ما برآریم شبی دست و دعایی بکنیم

۶۳۹- آرایه‌های مقابل همه گزینه‌ها درست ذکر شده‌اند، جز

- (۱) از آن‌ها که خورشید فریادشان
- (۲) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
- (۳) صدای سمّ سمند سپیده می‌آید
- (۴) بزن زخم، این مرهم عاشق است

که خنده بر لب ما قهقهه می‌گردد
خموشنند و فریادشان تا خداست
دمید از گلوی سحرزادشان
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

تا خط بغداد ده دجله صفت جام‌جم
بزن زخم انکار بر جان ما
تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی
خاصه کان لیلی و این مجنون بود

دمید از گلوی سحرزادشان
خموشی است هان، اولین شرط عشق
دف عشق با دست خون می‌زنند
بزن زخم انکار بر جان ما

در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس
چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
چونان فرشته که بر سر او سایه‌گستر است
یکی است کشتی و آن دیگری است کشتی‌بان

می‌ده حریفانم صبوری می‌توانند
با من مدارا بیشتر کن ساقی امشب
بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید
من با حسین از کربلا شبگیر کردم

من و ساقی بر او تازیم و بنیادش براندازیم
آیین‌های ندارم از آن آه می‌کشم
تا طیبش به سرآریم و دواپی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

دمید از گلوی سحرزادشان (تشبیه - مراعات نظیر)
دف عشق بادست خون می‌زنند (پارادوکس - تشبیه)
یلی که سینۀ ظلمت دریده می‌آید (استعاره - تشبیه)
که بی‌زخم مردن، غم عاشق است (پارادوکس - تضاد)

دستور و زبان‌شناسی

- ۶۴۰- پسوند صفت نسبی در کدام واژه متفاوت است؟
 (۱) روحانی (۲) ظلمانی (۳) جسمانی (۴) عرفانی
- ۶۴۱- ساخت دستوری کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟
 (۱) جریده (۲) چریده (۳) خریده (۴) خزیده
- ۶۴۲- کلمه «زَرّین» در مصراع «فغان که کاسه زَرّین بی‌نیازی را» چه نوع صفتی است؟
 (۱) فاعلی (۲) لیاقت (۳) مفعولی (۴) نسبی
- ۶۴۳- کلمه «ناشناخته» در عبارت «ارزش انقلاب الهی ما برای دشمنان ناشناخته است» چه نوع صفتی است؟
 (۱) فاعلی (۲) لیاقت (۳) مفعولی (۴) نسبی
- ۶۴۴- در کدام بیت صفت بیانی وجود دارد؟
 (۱) آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر
 (۲) از تیغ کوه تا لب دریا کشیده‌اند
 (۳) بر طرف رود چون بوزد باد بر درخت
 (۴) بنگر بدان درخش کز ابر کبودفام
- ۶۴۵- در کدام مصراع، جزئی از فعل «صفت مفعولی» نیست؟
 (۱) ز هر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است
 (۲) سروش عالم غیب چه مژده‌ها داد است
 (۳) قبول خاطر و لطف سخن خداداد است
 (۴) ندانمت که در این دامگه چه افتاد است
- ۶۴۶- با توجه به بیت «در بادهای سوزان نیلوفران خاکی / چشم انتظار آبد، ای روح سبز باران» کدام گزینه صفت بیانی نداریم؟
 (۱) بادهای سوزان (۲) چشم انتظار آب (۳) روح سبز (۴) نیلوفران خاکی
- ۶۴۷- کدام گزینه گروه وصفی است؟
 (۱) مرد دانشمند پاک‌نهاد خوش‌سخن
 (۲) شرمندگی نداشتن لباس فاخر
 (۳) دیدار خوب یوسف کنعان
 (۴) دل پاک انسان خداجوی
- ۶۴۸- ساختمان کدام گزینه با کلمات دیگر، متفاوت است؟
 (۱) آموزگار (۲) آفریدگار (۳) پروردگار (۴) کردگار
- ۶۴۹- ساخت دستوری کدام کلمه با کلمات دیگر، متفاوت است؟
 (۱) خشمگین (۲) غمگین (۳) سنگین (۴) سهمگین
- ۶۵۰- بیت زیر چند جمله است؟
 «مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) پنج
 خموشی است هان، اولین شرط عشق»
- ۶۵۱- کدام مورد درباره بیت زیر نادرست است؟
 «هلا منکر جان و جانان ما
 (۱) زخم ← مفعول (۲) ما ← مضاف‌الیه
 بزن زخم انکار بر جان ما
 (۳) هلا ← نهاد (۴) جانان ← مضاف‌الیه
- ۶۵۲- پسوند کدام صفت نسبی، متفاوت است؟
 (۱) تحتانی (۲) حیوانی (۳) جسمانی (۴) فوقانی
- ۶۵۳- همه کلمات زیر، به جز صفت فاعلی هستند.
 (۱) رونوشت (۲) پیراهن‌دوز (۳) جهانگیر (۴) دست‌فروش
- ۶۵۴- در کدام گزینه صفت بیانی داریم؟
 (۱) کعبه راز (۲) گردون دون (۳) حصول کمال (۴) چشمه‌های حکمت

۶۵۵- ترکیب وصفی کدام است؟

- (۱) بامداد رحیل (۲) آدم غرب زده (۳) چرخه چرخ (۴) رستگاری عقیبی

۶۵۶- صفت لیاقت از مصدر «پوشیدن» کدام است؟

- (۱) پوشش (۲) پوشیدنی (۳) پوشیدگی (۴) پوشیده

۶۵۷- نویسنده در تمام گزینه‌ها جز گزینه از «صفت مفعولی» بهره برده است.

- (۱) مسجد بزرگی که هم حیاط دارد، هم سرپوشیده و هم نخل محرم در آن است.
(۲) زن‌ها چارقد سر می‌کنند و نیمه پیراهنی روی شلیته پرچین و تاب خود می‌پوشند.
(۳) بلندقامت‌اند و پرکار و آفتاب‌سوخته و زود به پیری نشسته.
(۴) طویله‌ها دخمه‌ای است در شکم کوه کنده شده.

۶۵۸- کلمات «بینا، زینده، گریان» به ترتیب کدام پاسخ‌اند؟

- (۱) صفت فاعلی - صفت مفعولی - صفت لیاقت
(۲) قید - صفت مفعولی - صفت نسبی
(۳) صفت فاعلی - صفت فاعلی - صفت نسبی
(۴) صفت فاعلی - صفت فاعلی - صفت فاعلی

۶۵۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه صفت فاعلی دیده می‌شود.

- (۱) گشوده (۲) دانا (۳) روان (۴) دونده

۶۶۰- واژه‌های کدام گزینه همگی صفت فاعلی هستند؟

- (۱) دارا - گیرا - روا (۲) پندار - دیدار - گرفتار (۳) غزلواره - جشنواره - گوشواره (۴) خندان - جانان - یخبندان

۶۶۱- نشانه صفت مفعولی را در کدام گزینه می‌توان دید؟

- (۱) ان (۲) ان (۳) ه (۴) ی

۶۶۲- بن مضارع و صفت فاعلی و صفت لیاقت از «گسستن» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) گسل، گسیخته، گسله (۲) گسل، گسلنده، گسستنی (۳) گسست، گسلانده، گسستگی (۴) گسیخت، گسلانده، گسستنی

۶۶۳- در گروه‌های اسمی زیر، جمعاً چند صفت بیانی وجود دارد؟

- «قامت کوتاه - اطاق روشن - آن داستان - مرد رونده - کدام خیابان - کودک خندان - انسان شنوا - چند کودک - چهار صفحه - در گشوده - کتاب خواندنی - عجب منظره‌ای - اندیشه آسمانی - هشتمین امام - بیست سال - فلان آدم - بهترین استعدادها»
(۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) یازده

۶۶۴- در کدام گزینه صفت بیانی فاعلی آمده است؟

- (۱) روشن (۲) بینا (۳) دیدنی (۴) نیلوفری

قلم‌چی - ۹۶

۶۶۵- در میان واژه‌های زیر، چند صفت نسبی وجود دارد؟

«خوردنی، بسته، ظلمانی، مردانه، گریان، رونده، نوین، آبی، دانا، کردگار»

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) دو

نشانه‌برتر - ۹۸

۶۶۶- صفت بیانی در کدام گزینه بیشتر از دیگر گزینه‌ها است؟

- (۱) آن آهوی سیه‌چشم از دام ما برون شد
(۲) برون افکنی از پی دلفریبی
(۳) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است
(۴) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب
یاران چه چاره سازم با این دل رمیده
از آن نیلگون جامه، سیمینه تن را
مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
وان رفتن خوشش بین، وان گام آرمیده

نشانه‌برتر - ۹۸

۶۶۷- تعداد صفت‌های فاعلی کدام گزینه کمتر است؟

- (۱) همه می‌دانستند که پیشنهادهای مالی گیرایش، این روستای زیبا را نابود می‌کند و از خداوند جهان‌آفرین، امنیت می‌خواستند.
(۲) مرد خریدار، محیط زمین را پیاده می‌رود و به نقطه اول بازمی‌گردد و از صاحب زمین ثمن معامله را می‌پردازد و وی نیز با حالتی گریان قیمت پرتی را پیشنهاد می‌دهد.
(۳) زمانی که به کدخدا رسید، از تشنگی جان‌فرسا نمی‌توانست روی پاهایش بایستد، ولی چهره خندانش پیدا بود.
(۴) دردمند هجران کشیده‌ای که می‌خواهد دردهای درونی خویش را با بیانی رسا و گویا به زبان آورد و فردی غمگین است.

نشانه‌پرتر - ۹۷

۶۶۸- نوع صفت بیانی در کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟

- ۱) به نیک و به بد مرد آموزگار
 - ۲) دیشب که دلم ز تابِ هجران می‌سوخت
 - ۳) ناگاه به باغ تو خزان می‌فرستد
 - ۴) و این چه کوری است که در چار راه شرع
- نپیچد سر از گردش روزگار
اشکم همه در دیده گریان می‌سوخت
خرسند کن از خود دل رنجیده ما را
با صد هزار رهبر بیننده ره گمی

نشانه‌پرتر - ۹۷

۶۶۹- در کدام بیت صفت نسبی یا لیاقت به کار نرفته است؟

- ۱) ولی چشم از درون خود نبندی
 - ۲) کاسه گردان بزم تقدیرت
 - ۳) گردنده آسمانی و عدل آفتاب تو
 - ۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
- که در جان تو چیزی دیدنی هست
صبح زرین کلاه سیم اندام
تابنده آفتابی و تخت آسمان تو
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

قلم‌چی - ۹۷

۶۷۰- در کدام گزینه تعداد «صفت‌های بیانی» (به عنوان وابسته پسین) بیشتر است؟

- ۱) لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک
 - ۲) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب
 - ۳) یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده
 - ۴) از تاب آتش می برگرد عارضش خوی
- رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده
وان رفتن خوشش بین، وان گام آرمیده
شمشاد خوش‌خرامش در ناز پروریده
چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده

قربت معنایی و معنی و مفهوم

۶۷۱- همه ابیات با بیت: «بزن زخم این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است» هم‌مفهوم‌اند به جز

- ۱) عهد کردیم که جان در سر کار تو کنیم
 - ۲) سر که نه در راه عزیزان بود
 - ۳) ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری
 - ۴) بگفتا گر به سر یابیش خشنود
- وگر این عهد به پایان نبرم نامردم
بار گرانی است کشیدن به دوش
برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش
بگفت از گردن این وام افکنم زود

۶۷۲- کدام گزینه با «از چنبر نفس رسته بودند آن‌ها / بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها» قربت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) باد نفس مر سینه را ز اندوه صیقل می‌زند
 - ۲) عشق فروخت آتشی کآب حیات از او خجل
 - ۳) بمیرید بمیرید وزین نفس ببرید
 - ۴) نیست ز نفس ما مگر نقش و نشان سایه‌ای
- گر یک نفس گیرد نفس مر نفس را آید فنا
پرس که از برای که آن ز برای نفس ما
که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید
چون به خم دو زلف توست مسکن و جای نفس ما

۶۷۳- مفهوم بیت: «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد» با کدام بیت همسان نیست؟

- ۱) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
 - ۲) مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب
 - ۳) عشق می‌بازی طریق عاشقان باید سپرد
 - ۴) دل حافظ که به دیدار تو خوگر شده بود
- سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور
به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید
میل حج داری بلای بحر و بر باید کشید
ناز پرورد وصال است مجو آزارش

۶۷۴- بیت «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن، غم عاشق است» با کدام بیت قربت معنایی کمتری دارد؟

- ۱) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
 - ۲) عقل در سلسله عشق گرفتار بود
 - ۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
 - ۴) همه سلامت نفس آرزو کند مردم
- رهروی باید جهان‌سوزی نه خامی بی‌غمی
عشق دلشده مست است نه هشیار بود
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
خلاف من که به جان می‌خرم بلایی را

۶۷۵- بیت زیر با کدام یک از ابیات زیر قرابت معنایی ندارد؟

- «آنکه شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
 (۱) مگو سوخت جان من از فرط عشق
 (۲) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست
 (۳) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 (۴) بیا عاشقی را رعایت کنیم
- در میان جمله او دارد خبر»
 خموشی است هان اولین شرط عشق
 خموشند و فریادشان تا خداست
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 زیاران عاشق حکایت کنیم

۶۷۶- چند مورد با «ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آنکه در دستش کلید شهر پرآینه دارد» ارتباط معنایی بیشتری دارند؟

- (الف) «ای منتظر غمگین مشو قدری تحمّل بیشتر
 (ب) «یاد اُحد یاد بزرگی‌ها که کردیم
 (ج) «مردی به مردی دشنه بر بیداد بسته
 (د) «به سوی قلّه بی‌انتهای بیداری
 (هـ) «شب غارت تاران همه سو فکنده سایه
- گردی به پا شد در افق گویا سواری می‌رسد»
 آن پهلوانی‌ها سترگی‌ها که کردیم»
 در خامشی‌ها قامت فریاد بسته»
 پرنده‌ای که به خون پرکشیده می‌آید»
 تو به آذرخشی این سایه دیوسار بشکن»
- (۱) یک (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

۶۷۷- «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است» با کدام گزینه متناسب نیست؟

- (۱) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید
 (۲) مرا به زخم قفا گفتمش ز پیش مران
 (۳) زخم را مرهم شمار و طالب دارو مباحث
 (۴) مرهم ز چه سازیم که این درد که ما راست
- هم‌چو نی دم‌ساز و مشتاقی که دید
 که زخم خورده هجر از قفا نمی‌ترسد
 درد را از دست بگذار و ز درمان درگذر
 دانیم که از درد توان جست دوا را

۶۷۸- مفهوم بیت: «چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) دادگرا تو را فلک جرعه‌کش پیاله باد
 (۲) لعل تو که هست جان حافظ
 (۳) حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
 (۴) در این حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند
- دشمن دل‌سیاه تو غرقه به خون چو لاله باد
 دور از لب مردمان دون باد
 کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد
 که با این درد اگر دربند درمانند در مانند

نشانه‌برتر - ۹۷

۶۷۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پیش از آن کاین نفس کل در آب و گل معمار شد
 (۲) مرغی که ز دام نفس خود رست
 (۳) اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ
 (۴) از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها
- در خرابات حقایق عیش ما معمور بود
 هر جای که برپرد نترسد
 هر دمی بینند خوبی بی‌درنگ
 بت‌ها همه را شکسته بوند آن‌ها

نشانه‌برتر - ۹۷

۶۸۰- تنها بیت گزینه با بیت زیر تناسب معنایی دارد.

- هلا منکر جان و جانان ما
 (۱) عشق تو رقیب راز من باد
 (۲) رقیبا تیر می‌رانی و در جان می‌کنی رخنه
 (۳) با رقیب سخت دل زخم زبان کردن چه سود
 (۴) بنده خود کیست که با خواجه به انکار آید
- بزن زخم انکار بر جان ما
 زخم تو جگر نواز من باد
 تو این را زخم می‌گویی و ما را فتح باب است این
 چون از این سوهان بیفتد رخنه در فولاد او
 تیغ از او بنده از او زخم از او مرهم از اوست

نشانه‌برتر - ۹۸

۶۸۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) از چنبر نفس، رسته بودند آن‌ها
 (۲) ازدهای نفس نگذارد که رو آری به گنج
 (۳) تو پای‌بند زمینی و رشته‌ایست نهان
 (۴) خیال خود همه باید ز سر به در کردن
- بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها
 ازدهاکش شو، گرت در سر هوای گوهر است
 که با گذشته تو را ارتباط دهد
 دگر به عالم سودای او گذر کردن

نکات پراکنده

۶۸۲- اشعار «یاران عاشق» و «صبح بی‌تو» به ترتیب در چه قالب شعری سروده شده‌اند؟

- (۱) مثنوی - غزل (۲) قطعه - مثنوی (۳) غزل - غزل (۴) مثنوی - چهارپاره

آزمون تشریحی درس یازدهم

◆◆ قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های زیر را بنویسید.
انکار: بیعت: مرهم:
۲. نوع صفت بیانی را در بیت زیر مشخص کنید.
«خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد»
۳. نوع صفت‌های زیر را تشخیص دهید.
بچگانه - پشمنه - پروردگار - شکسته
۴. جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
دیدیم				

۵. در بیت زیر یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین بیابید. نوع آن‌ها را مشخص کنید.
جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

◆◆ قلمرو ادبی

۱. در بیت زیر دو آرایه ادبی پیدا کنید.
در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
۲. در بیت زیر کدام آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟ (۲ مورد)
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد
۳. کدام یک از اضافه‌های زیر تشبیهی است؟
قُلَّة بیداری - شهید عشق - برکه خورشید - خورشید فریاد - دشت ژاله
۴. در بیت زیر کدام آرایه ادبی به کار رفته است؟
بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

◆◆ قلمرو فکری

۱. در بیت «به پاسداری آیین آسمانی ما / گزیده‌ای که خدا برگزیده می‌آید» منظور شاعر از «برگزیده خدا» کیست؟
۲. با توجه به بیت زیر «مُنکر جان و جانان» چه کسی است؟
هلا مُنکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما
۳. معنی و مفهوم بیت زیر را به فارسی روان بنویسید.
بیا با گُل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم

یادداشت ✍

درس یازدهم

۶۲۶- گزینه ۳ مدار: مسیر، مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد / فرط: از حد گذشتن، بسیاری، فراوانی

۶۲۷- گزینه ۴ سیمینه: منسوب به سیم، سیمین، ساخته شده از سیم یا نقره / منکر: انکار کننده، ناباور / آدینه: جمعه، آخرین روز هفته

۶۲۸- گزینه ۳ بیت (الف) ← خوشاوندی
بیت (پ) ← نغمه

۶۲۹- گزینه ۳ «مرهم» صحیح است به معنی دارویی که بر زخم گذارند، التیام‌بخش.

۶۳۰- گزینه ۲ صبح بی تو به یک بعدازظهر جمعه تشبیه شده است.

۶۳۱- گزینه ۴ «زخم، مرهم است» پارادوکس است!

۶۳۲- گزینه ۲ تشبیه: بیت (ب) ← زخم انکار (اضافه تشبیهی است و انکار به زخمی تشبیه شده است) / پارادوکس: بیت (د) ← «خموشدند و در عین حال فریادشان تا خداست» پارادوکس ایجاد کرده است. / جناس: بیت (الف) ← فرط - شرط / تناسب: بیت (ج) ← پا - سر

۶۳۳- گزینه ۳ این گزینه پارادوکس ندارد.

گزینه ۱: قه‌قهه گریستن! / گزینه ۲: خموشدند و فریاد می‌کشند! / گزینه ۴: «رندان پارسا» یعنی عاشق باطن‌نظری که ظاهرین دینی است!

۶۳۴- گزینه ۲ گزینه ۱: خط اول خط جام شراب، خط دوم: مرز / گزینه ۳: قلب اول = مرکز سپاه، قلب دوم = معنای واقعی قلب / گزینه ۴: «یاد و یار» جناس غیرهمسان (ناقص) دارند.

۶۳۵- گزینه ۲ در این گزینه هیچ تشبیهی به کار نرفته است.
در سایر ابیات:

گزینه ۱: خورشید فریاد ← اضافه تشبیهی / گزینه ۳: دف عشق ← اضافه تشبیهی / گزینه ۴: زخم انکار ← اضافه تشبیهی

۶۳۶- گزینه ۴ گزینه ۱: مشبه: پیکر عریان دهقان، مشبّه‌به: مرغ نیم‌بسمل، وجه شبه: لرزد، ادات: هم‌چو / گزینه ۲: مشبه: نسیم، مشبّه‌به: دم عیسی، وجه شبه: جان‌آوردن، ادات تشبیه: چون / گزینه ۳: مشبه: مادر، مشبّه‌به: فرشته، وجه شبه: سایه گستر، ادات تشبیه: چنان / گزینه ۴: مشبه: زن و مرد، مشبّه‌به: کشتی و کشتی‌بان، وجه شبه: محذوف، ادات تشبیه: محذوف

* به دلیل اشاره‌ای که در قلمرو ادبی به آرایه تشبیه شده این تست را آورده‌ام.

۶۳۷- گزینه ۳ خورشید در جام شفق مل کرد. (خورشید شراب نوشید): تشخیص است.

* در قلمرو ادبی به آرایه تشخیص اشاره شده!

۶۳۸- گزینه ۴ گزینه ۱: لشکر انگیختن غم / گزینه ۲: حُسن عروس طبع / گزینه ۳: دل بیمار

۶۱۳- گزینه ۳ اغراق ← کاملاً مشهود است که فرات با این عظمت قطره‌ای از دریای توس / تشخیص یا استعاره ← گفتنی است که هر استعاره تشخیص دارد و در اینجا مشک به دوش بودن دریا / واج‌آرایی ← دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش واج‌آرایی (ش). * کاملاً مشخص است که بیت اول حسن تعلیل هم دارد.

۶۱۴- گزینه ۳ اغراق در مصراع «جز تو که فرات رشح‌های از یم توس» از همه مشهودتر است (فرات قطره‌ای از دریای توس!)

۶۱۵- گزینه ۲ کنایه: برگ سفر بر باره بندیدم (آماده حرکت شویم)، دل بر عبور از چیزی بستن (قصد عبور از چیزی کردن) / جناس: بر و برگ، خار و خار (ناقص افزایی)، باره و باره (ناقص اختلافی) / اضافه تشبیهی ← سدّ خار و خار (خار و خار به سد) / سدّ خار و خار ← استعاره (مشکلات)

۶۱۶- گزینه ۳ کنایه: آهنگ سفر کردن (سفر رفتن)، جان سپهر کردن (فداکاری و ایثار جان) / استعاره: جانان (یار و محبوب)، تیغ (مشکل و مصیبت) / به تیغ بگو بیارد ← تشخیص / بارد و بیارد ← اشتقاق از مصدر باریدن

۶۱۷- گزینه ۲ گزینه ۱: ۵ (تنگ است ما را خانه / تنگ است / ای برادر / برجای ما بیگانه تنگ است / ای برادر) / گزینه ۲: ۳ (تکبیرزن، لَبّیک گو، بنشین به رهوار / مقصد دیار قدس [است] / همپای جلودار [می‌رویم])

* دقت کنید «تکبیرزن و لَبّیک گو» قید هستند.

گزینه ۳: ۶ (گاه سفر آمد / برادر / ره دراز است / پروا مکن / بشتاب / همت چاره‌ساز است)

گزینه ۴: ۴ (از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم / بانگ از جرس برخاست / وای من / خموشم) * دقت کنید «وای من» شبه جمله و صوت است و یک جمله به حساب می‌آید.

۶۱۸- گزینه ۳ «فرمان» قسمتی از کلمه «فرمان بردن» است که این کلمه نهاد است. دقت کنید اصلاً «بردن» فعل نیست که بخواهد مفعول داشته باش.

* نکته: در گزینه ۴ (مفعول فعل «گو» هر چیزی است که گفته شود «ببارد» که خودش فعل است مفعول فعل «گو» هم محسوب می‌شود.

۶۱۹- گزینه ۳ «برادر» منادا است.

۶۲۰- گزینه ۱ گزینه ۲: آن - هر - صد / گزینه ۳: این / گزینه ۴: هر

۶۲۱- گزینه ۳ «رنگین کمان» نهاد است (کلاف ابرهای تیره ← مفعول)

۶۲۲- گزینه ۱

۶۲۳- گزینه ۲ گزینه ۱: جلودار / گزینه ۳: موسی / گزینه ۴: جلودار

۶۲۴- گزینه ۳ این بیت اشاره به مشک به دوش کشیدن حضرت عباس و دنبال آب بودن برای بچه‌ها در واقعه عاشورا دارد.

۶۲۵- گزینه ۴

دقت کنید در شمارش جملات، شبه جمله‌ها (منادا - صوت) هم به حساب می‌آیند.

۶۵۱- گزینه ۳ «هلا» حرف نداست به معنی «ای».

توضیح سایر گزینه‌ها:

«زخم» مفعول است برای بز. (چه چیزی را بز؟ زخم انکار را)
«ما» مضاف‌الیه است برای جان و جانان.

«جانان» مضاف‌الیه است برای منکر. (منکر جانان)

۶۵۲- گزینه ۲ هر چهار کلمه، صفت نسبی است. پسوند گزینه (۲)،

«ی» می‌باشد، ولی در گزینه‌های دیگر «انی» است.

تحتانی = تحت + انی / جسمانی = جسم + انی / فوقانی = فوق + انی
صفت نسبی: صفتی است که موصوف خود را به چیزی یا جایی نسبت می‌دهد. علامت‌های صفت نسبی عبارتند از «ی، ین، ینه، انه، انی، گانه، چی و ...» که همراه اسم می‌آیند.

ولی ساختار گزینه (۲) به صورت «حیوانی = حیوان + ی (نسبی)» می‌باشد.

۶۵۳- گزینه ۱ «رونوشت» صفت مفعولی است که علامت «ه» از آخر آن حذف شده است. گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، صفت فاعلی هستند که علامت «نده» از آخر آن حذف شده است.

۶۵۴- گزینه ۲ «گردون دون» ترکیب وصفی است و «دون» صفت بیانی! ولی سه گزینه دیگر ترکیب اضافی است.

۶۵۵- گزینه ۲ آدم (موصوف) غرب‌زده (صفت مفعولی). سه گزینه دیگر، ترکیب اضافی هستند.

۶۵۶- گزینه ۲ صفت لیاقت صفتی است که لیاقت و شایستگی موصوف را بیان می‌کند و علامت آن «ی» است که به آخر «مصدر» اضافه می‌شود. مثل: دیدنی، خوردنی: «مصدر ی»

۶۵۷- گزینه ۲ در گزینه (۱)، «سریوشیده»، در گزینه (۳)، «آفتاب سوخته» و «زود به پیری نشسته»، در گزینه (۴)، «در شکم کوه کنده شده» صفت مفعولی هستند، اما در گزینه (۲)، صفت مفعولی وجود ندارد.

۶۵۸- گزینه ۴ بینا ← بن مضارع + ا / زبینه ← بن مضارع + نده / گریان ← بن مضارع + ان / هر سه صفت فاعلی هستند

۶۵۹- گزینه ۱ «گشوده» صفت مفعولی است.

(بن ماضی + ه ← صفت مفعولی).

۶۶۰- گزینه ۱ واژه‌های گزینه (۱) همگی با ساختار یکسان یعنی «بن مضارع + ا» ساخته شده‌اند. در گزینه (۲)، «گرفتار» و در گزینه (۴) «خندان» صفت‌اند. بقیه واژه‌ها اسم‌اند.

۶۶۱- گزینه ۳ ساختار صفت مفعولی در زبان فارسی، «بن ماضی + ه» است، مانند: دیده، شنیده و ...

۶۶۲- گزینه ۲ ساختار کلمات خواسته شده به ترتیب: «بن مضارع از فعل امر به دست می‌آید با حذف «ب». یکی از انواع صفت فاعلی از ترکیب «بن مضارع» و «پسوند نده» ساخته می‌شود. «صفت لیاقت» از «مصدر» + پسوند «ی» تشکیل می‌گردد. (فعل امر گسستن ← بگسل)

۶۳۹- گزینه ۲ در این گزینه آرایه «پارادوکس» نداریم. «دفع عشق» ← اضافه تشبیهی

گزینه (۱): «خورشید فریاد» ← اضافه تشبیهی - «خورشید» و «سحر» ← مراعات نظیر / گزینه (۳): «سمند سپیده» ← اضافه تشبیهی - «سینه ظلمت» ← اضافه استعاری / گزینه (۴): «زخم، مرهم است» ← پارادوکس - «زخم و مرهم» ← تضاد

۶۴۰- گزینه ۴ روحانی ← روح + انی / ظلمانی ← ظلمت + انی / جسمانی ← جسم + انی / عرفانی ← عرفان + ی

۶۴۱- گزینه ۱ «جریده» اسم ساده است و به معنی «دفتر، شاخه نخل و شاخه بی‌برگ» است. ولی گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) صفت مفعولی است که از «بن ماضی + ه» ساخته شده است.

۶۴۲- گزینه ۴ «زَین»، (اسم + ین) است که صفت نسبی می‌باشد.

۶۴۳- گزینه ۳ در جمله داده شده: ارزش انقلاب الهی ما برای دشمنان ناشناخته است ← ناشناخته شده است، «ناشناخته» صفت مفعولی است. (نا + بن ماضی + ه)

۶۴۴- گزینه ۴ کبودفام در مصراع اول بیت چهارم صفت بیانی است، سایر گزینه‌ها صفت بیانی ندارند، ولی در گزینه (۱)، «آن» صفت اشاره است و صفت اشاره جزء صفت بیانی نیست.

۶۴۵- گزینه ۱ در گزینه‌های (۲) و (۳) «داد است» به معنی «داده است» می‌باشد که «داده» صفت مفعولی است، ولی «آزاد است» چنین نیست. هم‌چنین در گزینه (۴)، «افتاد است» یعنی «افتاده است» که افتاده صفت مفعولی است. (صفت مفعولی: بن ماضی + ه)

۶۴۶- گزینه ۲ گزینه (۲) «آب» مضاف‌الیه است و صفت نیست.

۶۴۷- گزینه ۱ زیرا از یک اسم و سه صفت تشکیل شده و گروه وصفی است.

گزینه (۱): مرد (اسم) + دانشمند (صفت) + پاک‌نهاد (صفت) + خوش‌سخن (صفت) / گزینه (۲): شرمندگی (اسم) + نداشتن (مصدر = اسم) + لباس (اسم) + فاخر (صفت) / گزینه (۳): دیدار (اسم) + خوب (صفت) + یوسف (اسم) + کنعان (اسم) / گزینه (۴): دل (اسم) + پاک (صفت) + انسان (اسم) + خداجوی (صفت)

توجه: در هر چهار گزینه، ترکیب وصفی به کار رفته است ولی گزینه (۱)، در مجموع گروه وصفی است و در گزینه‌های دیگر، ترکیب اضافی هم به کار رفته است.

۶۴۸- گزینه ۱ «آموزگار» از (بن مضارع + گار) ساخته شده است، در حالی که سایر گزینه‌ها از «بن ماضی + گار» تشکیل شده‌اند.

۶۴۹- گزینه ۳ «سنگین» از ترکیب «یک اسم + ین» تشکیل شده که صفت نسبی است، اما سایر گزینه‌ها از ترکیب اسم + «گین» ساخته شده‌اند، به صورت زیر:

خشمگین ← خشم + گین / غمگین ← غم + گین / سهمگین ← سهم + گین

۶۵۰- گزینه ۱ مگو (۱) / سوخت جان من از فرط عشق (۲) / هان (۳) / خموشی است اولین شرط عشق (۴)

۶۶۳- گزینه ۳ «کوتاه و روشن» صفت ساده هستند. «رونده، خندان، شنوا»، «بن مضارع + پسوند» (صفت فاعلی هستند)، «گشوده»، «بن ماضی + ه» (صفت مفعولی است)، «خواندنی»، «مصدر + ی» (صفت لیاقت است)، «آسمانی»، «اسم + ی» (صفت نسبی است).
* نکته: صفت بیانی، یکی از انواع وابسته‌های پسین است که خود انواعی دارد که عبارتند از: صفت ساده، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت لیاقت و صفت نسبی.

۶۶۴- گزینه ۲ گزینه (۱) صفت ساده است. / گزینه (۳) لیاقت است. / گزینه (۴) نسبی است.

۶۶۵- گزینه ۲ ظلمانی، مردانه، نوین، آبی: ۴ صفت نسبی خوردنی: صفت لیاقت / بسته: صفت مفعولی / گریان، رونده، دانا، کردگار: صفات فاعلی

۶۶۶- گزینه ۴ گزینه (۱): سیه‌چشم، رمیده / گزینه (۲): نیلگون، سیمینه / گزینه (۳): اسیر، گرفتار / گزینه (۴): دلکش، دل‌آشوب، خوش، آرمیده

۶۶۷- گزینه ۳ صفت‌های فاعلی گزینه (۱): گيرا و زیبا / گزینه (۲): خریدار، گریان / گزینه (۳): خندان / گزینه (۴): رسا، گویا

۶۶۸- گزینه ۳ دل رنجیده: صفت مفعولی در بقیه گزینه‌ها صفت‌های موجود فاعلی هستند: «آموزگار، گریان، بیننده»
۶۶۹- گزینه ۳ در گزینه (۳)، آسمانی و آفتابی، اسنادی است به معنای «هستی». بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه (۱): دیدنی (لیاقت) / گزینه (۲): زرین (نسبی) / گزینه (۴): شیرازی (نسبی)

۶۷۰- گزینه ۱ گزینه (۱): فصیح، شیرین، بلند، چابک، لطیف، زیبا، خوش، کشیده / گزینه (۲): دلکش، دل‌آشوب، خوش، آرمیده / گزینه (۳): جان‌فزا، خوش‌خرام / گزینه (۴): صفت بیانی ندارد.

۶۷۱- گزینه ۳ مفهوم سایر گزینه‌ها و بیت صورت سؤال جانبازی عاشق در راه معشوق است ولی گزینه (۳) غیرت عاشق را می‌رساند.

۶۷۲- گزینه ۴ در صورت سؤال و سایر گزینه‌ها می‌گوید عشق و سختی همراه هم هستند اما در گزینه (۴) از معشوق می‌خواهد که عاشق را آزار ندهد.

۶۷۳- گزینه ۳ این گزینه مثل صورت سؤال به ترک تعلقات و از بین بردن تعلقات دنیوی و دل نبستن به چیزهای پست اشاره دارد.

۶۷۴- گزینه ۲ مفهوم مشترک صورت سؤال و سایر ابیات: عاشق سختی و بلا و زخم و غم را به جان می‌خرد و پذیرای آن است و بدون آن عشق معنایی ندارد و به مقصود نمی‌رسد.

مفهوم گزینه (۲): عقل چیزی از عشق نمی‌فهمد (تقابل عقل و عشق).

۶۷۵- گزینه ۴ سه گزینه اول مفهوم یکسانی با بیت موجود در سؤال دارد که می‌گوید آدم عاشق از باخبر شدن عشق حقیقی دم نمی‌زند و سالک است ولی در گزینه (۴) مفهومی مانند سایر گزینه‌ها نداریم و می‌خواهد از عاشقان سخن بگوید.

۶۷۶- گزینه ۲ موارد (الف)، (ج)، (د) و (ه) مانند صورت سؤال به قیام علیه ظلم اشاره دارند اما مورد (ب) به یادآوری قدرت‌نمایی‌های گذشته اشاره دارد.

۶۷۷- گزینه ۲ صورت سؤال و سه گزینه دیگر به این اشاره دارند که همان چیزی که باعث درد است، همان مرهم است.
در گزینه (۲) عاشق به معشوق می‌گوید که مرا با جفا کردن از پیش خود مران، چرا که کسی که دوری معشوق را تحمل کرده از این جفاها نمی‌ترسد.

۶۷۸- گزینه ۳ مفهوم صورت سؤال و این گزینه، جنون عاشق و جان دادن در راه معشوق می‌باشد.

گزینه (۱): شاعر، برای دشمن معشوق، آرزوی مرگ می‌کند. /
گزینه (۲): حافظ دعا می‌کند که معشوق او از دیگر مردم دور باشد. /
گزینه (۴): به دردمندی عاشق و پیدا نکردن درمان برای درد خود اشاره شده است.

۶۷۹- گزینه ۱ مفهوم بیت گزینه (۱) به ازلی بودن عشق اشاره دارد و سایر ابیات به رهایی از نفس و به تبع آن به رستگاری رسیدن اشاره دارد.

۶۸۰- گزینه ۲ مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینه (۲) در این است که منکر عشق سختی‌های راه عشق را زخم می‌بیند و اما این زخم‌ها برای عاشق مرهمی شفابخش است.

۶۸۱- گزینه ۳ در این بیت به این مفهوم اشاره شده است که انسان همواره با گذشته و نیاکان خود از نظر تاریخی و میهنی ارتباط دارد و از هم گسسته نیست، در حالی که در سایر ابیات مفهوم نفس‌کشی و از خودگذشتگی دیده می‌شود.

۶۸۲- گزینه ۱

شکل مثنوی:

x _____	x _____
o _____	o _____
Δ _____	Δ _____
□ _____	□ _____

شکل غزل:

x _____	x _____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____

درس دوازدهم

۶۸۳- گزینه ۲ درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی (نه سامانی)

تفرّج: گشت‌وگذار (نه محل گشت‌وگذار)، تماشا، سیر و گردش

۶۸۴- گزینه ۱ گزیر: چاره (گریز: فرار)

۶۸۵- گزینه ۳ فقط مورد (د) درست است.

الف) (خوالیگر: طبّاح، آشپز، پزنده) / ب) (حاذق: ماهر، توانا) (تفرّج: گشت و گذار، تماشا) / ج) (براندیشم: بترسم) (برنا: جوان)

پاسخ‌نامه آزمون درس دهم

◆◆ قلمرو زبانی

- ۱ کوچ، کوچیدن
- ۲ تعیین کردن
- ۳ اسب (تندرو)، فراخ‌گام، خوش‌راه

◆◆ قلمرو ادبی

- ۱ آماده حرکت و هجوم هستند.
- ۲ جولان - جناس تام
- ۳ جناس تام - واج‌آرایی - تکرار - تناسب (مراعات نظیر)
- ۴ جناس ناقص
- ۵ کشت و پشت (جناس ناقص)
- ۶ الف) رزمندگان شجاع / ب) آماده حرکت یا هجوم شدن
- ۷ تنگ و ننگ یا ما و جا
- ۸ آرایه‌ها: ۱) استعاره و تشخیص ← هفت دست گرم برای آسمان / ۲) تشخیص ← آسمان دف می‌زد. / ۳) تشبیه ← شور و شوق مانند رنگین‌کمان / ۴) اضافه تشبیهی ← کلاف ابرهای تیره (ابرهای تیره به کلاف تشبیه شده است).

◆◆ قلمرو فکری

- ۱ الف) دلبران به سوی مقصد آماده حرکت هستند. / ب) از همه طرف رفتن به گوشم می‌رسد، کاروان حرکت کرد، اما من هنوز نرفته‌ام. / ج) عزیز من تو نیز قیام کن. فریاد و زاری امام را که پیشوای این مبارزه است بشنو ... / د) اطاعت از حکم رهبر واجب است. / هـ) ای عزیز من برخیز به سوی کوه‌های جولان پیش برویم و از آنجا با شتاب تا سرزمین لبنان پیش برویم.
- ۲ تخت و نگین: کشور فلسطین و شکوه و عظمت آن / اهریمن: اسرائیل و یا غاصبان و ستمگران
- ۳ الف) قصد کشتن و نابودی سامری را گرفت. ب) رهبر یا موسی (ع) یا امام خمینی (ره)
- ۴ فرعونیان: اسرائیلی‌ها، دشمنان / موسی: امام خمینی (ره)
- ۵ نیل: مشکلات
- ۶ سرزمین فلسطین
- ۷ لطف و رحمت خداوند شامل حال همه مردم ایران شد.

پاسخ‌نامه آزمون درس یازدهم

◆◆ قلمرو زبانی

- ۱ باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن / پیمان و عهد، پیمان بستن برای فرمان برداری و اطاعت از کسی / هر دارویی که روی زخم بگذارند، التیام‌بخش
- ۲ دیرینه ← صفت بیانی از نوع نسبی
- ۳ بچگانه: صفت نسبی / پشیمینه: صفت نسبی / پروردگار: صفت فاعلی / شکسته: صفت مفعولی
- ۴

فعل	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت لیاقت	صفت مفعولی
دیدیم	بین	بینا - بیننده	دیدنی	دیده

◆◆ قلمرو ادبی

- ۱ کنایه ← پر کشیدن / استعاره ← کبوتر چاهی زخمی
- ۲ استعاره ← تیرگی / تضاد ← قفل و کلید
- ۳ قلّه بیداری - برکة خورشید - خورشید فریاد
- ۴ بارادوکس (متناقض نما) ← خموشند و فریادشان تا خداست / مراعات‌نظیر ← باغ و لاله / استعاره ← لاله استعاره از شهید

◆◆ قلمرو فکری

- ۱ امام زمان (عج)
- ۲ دشمنان دین و میهن
- ۳ ای هم‌وطن، بیا تا با شهیدان دوباره پیمان ببندیم و از هدف‌ها و آرمان‌های آن‌ها دفاع کنیم.

۵ وابسته پیشین: این و آن ← صفت اشاره

وابسته‌های پسین: تو ← مضاف‌الیه / ویرانه ← مضاف‌الیه / ها ← علامت جمع / ی (بویی) ← نکره